

#### گزارش

روایتی از حمله تروریستی به سردشت و زاهدان و شهادت تعدادی از هم‌وطنان

#### تروریسم نیابتی

**ویدیه کریمی**؛ صبح دیروز، ایران در دو نقطه استراتژیک خود؛ زاهدان و سردشت، شاهد حملاتی از نوعی آشنا و درعین‌حال هولناک بود. حملاتی که بیش از آنکه «مقطعی» تلقی شوند، در چارچوب یک سناریوی فراملی قابل تحلیل‌اند؛ سناریویی با رگه‌هایی پررنگ از دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، به‌ویژه رژیم اسرائیل که در سال‌های اخیر از تحریک نامنی درون مرزهای ایران ابایی نداشته است.

#### زاهدان؛ حمله به دادگستری، آتش در خیابان

حدود ساعت ۸:۲۰ صبح، زمانی که ساختمان دادگستری زاهدان روز خود را آغاز می‌کرد، یک تیم حملات تروریستی در پوشش ارباب‌روچ تلاش کرد وارد ساختمان شود. بنا بر اعلام رسمی، این تیم سه‌نفره از همان آغاز به سلاح گرم، نارنجک جنگی و جلیقه انفجاری مجهز بوده و هدفی روشن نداشته‌اند؛ حمله به نماد حاکمیت قضائی جمهوری اسلامی در یکی از برجالش‌ترین استان‌های کشور. هرچند با هوشیاری نیروهای انتظامی، از ورود این تیم به داخل ساختمان جلوگیری شد، اما درگیری مسلحانه بلافاصله به خارج از ساختمان کشیده شد؛ درگیری‌ای که به شهادت سدتم‌کش شش نفر، از جمله یک نوزاد کمتر از یک سال، یک زن حدوداً ۶۰ساله و سه نفر از نیروهای انتظامی انجامید. بیش از ۲۰ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. درحالی‌که رسانه‌های رسمی، از جمله خبرگزاری تسنیم، این حمله را به گروهک «جیش‌العدل» که «در ادبیات خبری ایران جیش‌الظلم نامیده می‌شوند» نسبت داده‌اند، سردار دلیری، جانشین فرمانده انتظامی استان، آشکارا انگشت اتهام را به سوی رژیم صهیونیستی نشانه رفت و گفت: «این تیم تروریستی وابسته به رژیم صهیونیستی بود و با هدف ایجاد رعب و بی‌ثباتی وارد عمل شده بود». بر پایه گزارش‌های رسمی، همه اعضای این تیم در جریان عملیات کشته شدند. با این حال، منابع امنیتی از ادامه ردیابی شبکه‌های پشتیبانی، لجستیکی و مالی این عملیات خبر داده‌اند؛ موضوعی که دادستان کل کشور نیز در بیانیه‌ای ویژه به آن اشاره کرده و دستور پیگیری فوری آن را صادر کرده است.

#### سردشت؛ حمله‌ای با امضای آشنا

در ساعات ابتدایی روز شنبه، صدها کیلومتر آن‌سوتر و در نوار مرزی شمال غربی کشور، یک پایگاه بسیج در نزدیکی روستای آغلان سردشت هدف تیراندازی تروریست‌ها قرار گرفت. در جریان این حمله که با سلاح سبک انجام شد، میثم کبیری، نیروی بسیجی این پایگاه، به شهادت رسید و یک نفر دیگر زخمی شد. گرچه مسئول روابط‌عمومی سپاه شهدای آذربایجان غربی از اعلام نام گروه مهاجم خودداری کرد، اما با نگاه به الگوی حملات پیشین، رد پای گروه‌های مسلح وابسته به پژاک یا دیگر گروهک‌های نیابتی در این ماجرا دور از ذهن نیست. این نخستین‌بار نیست که پایگاه‌های مرزی در غرب کشور هدف قرار می‌گیرند، اما هم‌زمانی دقیق آن با حادثه زاهدان، گمانه‌ها درباره وجود «هم‌هنگی بین این دو حمله» را پررنگ کرده است.

#### آیا فاز جدید عملیات اسرائیل آغاز شده است؟

از نگاه امنیتی، دو حمله هم‌زمان در دو سوی جغرافیای ایران، یک تصادف نیست. الگوی عملیات، نوع تسلیحات، هدف‌گیری مراکز نمادین «یکی دادگستری و دیگری پایگاه نظامی» و زمان‌بندی اجرا، همه حاکی از آن است که این حملات بخشی از یک طرح بزرگ‌تر برای تشدید فشار روانی و اجتماعی بر ایران‌اند. در هفته‌های گذشته، نهادهای رسمی بارها از افزایش تشدید تحرکات اطلاعاتی اسرائیل در مرزهای شرقی و غربی کشور سخن گفته‌اند. پرونده‌های مربوط به جاسوس‌های وابسته به موساد، ترورهای نافرجام و کشف خانه‌های تیمی در سیستان‌بلوچستان و کرمانشاه، همگی مؤید آن است که رژیم اسرائیل، پس از ناکامی در اجرای پروژه «آشوب‌سازان ۱۲ روزه»، به فاز تازه‌ای از عملیات نیابتی روی آورده است؛ فازی که به‌جای عملیات بهره‌رینه و مستقیم، از ظرفیت گروه‌های پراکنده و شبه‌نظامی استفاده می‌کند و هدف اصلی آن، گشودن جبهه روانی در داخل مرزها و شکستن اعتماد عمومی به نهادهای نظامی امنیت است.

#### جنگ ترکیبی با رنگ‌وبوی ترور

نیاید فراموش کرد که حمله به دادگستری زاهدان، در کنار عملیات‌های تروریستی مکرر در زاهدان مانند تخریب بانک‌ها، شلیک به مردم و حمله به کلاتریتی‌ها، ادامه همان «الگوی آشوب ترکیبی» است که طراحی آن را پیش‌تر در پروژه‌های جنگ رسانه‌ای، عملیات شناختی و تحریم‌های هدفمند شاهد بودیم. اما آنچه این‌بار ماجرا را متفاوت می‌کند، ابعاد انسانی حادثه است که اگر روزی حمله به سربازان وطن و پایگاه‌های مرزی بود، در ماه‌های گذشته از جمله حمله دیروز به کشتار مردم عادی رسیده است و در حمله تروریستی دیروز کشته‌شدن یک نوزاد، زخمی‌شدن مادر و شهادت یک زن مسن بلوچ، بار احساسی این حادثه را از یک حمله صرفاً تروریستی به یک جنایت عمومی علیه مردم بی‌گناه تبدیل کرده است؛ مسئله‌ای که بی‌شک افکار عمومی را درگیر خواهد کرد.

#### پیام واضح دشمن

در نهایت، دو حمله دیروز یک پیام روشن داشت: نامنی، نه‌فقط یک دغدغه مرزی، بلکه تهدیدی سراسری است که از شرق تا غرب ایران کشیده شده است. اما از سوی دیگر، هوشیاری نیروهای انتظامی، خنثی‌سازی بخشی از اهداف تروریست‌ها و پایان سریع درگیری‌ها، نشان می‌دهد که دست‌های پشت پرده اگرچه به شکل دور حمله می‌کنند، اما هنوز نتوانسته‌اند ساختار امنیتی کشور را دچار اختلال جدی کنند. پاسخ ایران، طبق وعده مسئولان، قاطع خواهد بود. اما شاید مهم‌تر از آن، پرسش از چرایی و چگونگی تأمین منابع این حملات است. در زمانی که رژیم اسرائیل در جبهه‌های رسمی نظامی و سیاسی با بن‌بست مواجه شده، به نظر می‌رسد اتاق عملیات روانی و تروریستی آن، ترجیح داده ابزار فشار را به «داخل خاک ایران» منتقل کند. پاسخی که به این اقدامات داده خواهد شد، نه‌فقط باید امنیت را بازبایی، بلکه باید هزینه‌های این قمار رواناک را برای دشمن آشکار کند. نباید از نظر دور داشت که پس از شکست پروژه جنگ ترکیبی ۱۲ روزه که از جنگ ساییری و عملیات روانی تا ترورهای هدفمند و حملات گسترده به اماکن مسکونی و هسته‌ای در مرزهای شمال و جنوب را شامل می‌شد، حالا اسرائیل در یک مسیر کم‌هزینه‌تر اما پریسک‌تر قدم گذاشته است؛ هدایت و تأمین مالی گروهک‌های تروریستی از جمله در شرق کشور، که به‌ویژه استان سیستان‌وبلوچستان را به عنوان نقطه تمرکز برگزیده‌اند. هنوز فراموش نگرفته‌ایم در سال گذشته، دقیقاً در آستانه اجرای وعده «صادق ۲» از سوی ایران که واکنشی علنی و مشروع به تجاوزات رژیم اسرائیل بود، سه عملیات تروریستی هم‌زمان در سه نقطه از سیستان‌وبلوچستان (زاهدان، سراوان و ایرانشهر) رخ داد. این میزان هماهنگی و شدت، نشان از سازمان‌دهی فراتر از مرزهای ایران دارد و قطعاً با سطحی از پشتیبانی خارجی مواجه بوده است. نکته کلیدی، تلاش دشمن برای به‌کارگیری خاک استان‌های مرزی، به‌ویژه در شرق کشور، به عنوان محل اتصال پروژه براندازی نرم با نامانی سخت است.

زاهدان در یک ساق اخیر، بارها شاهد عملیات‌های مسلحانه، حمله به کلاتریتی‌ها، پایگاه‌های سپاه و حتی مدارس و ساختمان‌های اداری بوده که اغلب با هدف ایجاد وحشت عمومی و بهره‌برداری تبلیغاتی از خون بی‌گناهان، مانند نوزادان و سالخوردگان، طراحی شده‌اند.

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ طیفی از ناظران باور دارند که نشست روز جمعه ایران با ترونیک‌ای اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) و اتحادیه اروپا در کنسولگری ایران در استانبول به‌منابه نقطه عطفی در دیپلماسی هسته‌ای پس از حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران عمل کرده است. این حملات، مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا را متوقف و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تعلیق کرد. کاظم غریب‌آبادی و مجید تخت‌روانچی، معاونان وزیر خارجه ایران، در نشست روز جمعه با انتقاد از حمایت اروپا از این تجاوزات، خواستار پاسخ‌گویی شدند. محور اصلی نشست، بحث بر سر آینده مکانیسم ماشه بود که اروپا تهدید به فعال‌سازی آن تا پایان آگوست ۲۰۲۵ کرده است. ایران این تهدید را غیرقانونی دانسته و هشدار داده که ممکن است از معاهده ان‌پی‌تی خارج شود. رفع تحریم‌ها نیز مطالبه کلیدی ایران بود؛ درحالی‌که اروپا پیشنهاد ریکرد دیپلماتیک شش‌ماهه مهلت ماشه را مشروط به همکاری ایران با آژانس و مذاکره با آمریکا مطرح کرد. گفته می‌شود ایران این شروط را رد نکرده، اما بر حق غنی‌سازی و رفع تحریم‌ها تأکید دارد. هم‌زمان ایران با سفر هیئت فنی آژانس به تهران (بدون بازدید از تأسیسات) و آغاز همکاری‌های فنی با آژانس موافقت کرد که نشان‌دهنده رویکرد دیپلماتیک محتاطانه است. رافائل گروسی از این تصمیم استقبال کرد، اما بر شفاف‌سازی درباره ذخایر اورانیوم تأکید دارد. نکته کلیدی دیگر اینکه نشست استانبول با توافق برای ادامه رازنی‌ها پایان یافت، اما اختلافات عمیق پابرجاست. چشم‌انداز آینده با توانایی اروپا در ارائه تضمین برای رفع تحریم‌ها، موضوع آمریکا در مذاکرات غیرمستقیم و نتایج سفر آژانس بستگی دارد. ایران نیز با حفظ موضع قاطع اما دیپلماتیک، به دنبال احقاق حقوق خود و جلوگیری از تشدید تنش‌هاست.

برای تحلیل آنچه در استانبول گذشت و نیز واکاوی آینده مذاکرات ایران و اروپا، به گفت‌وگویی با ابوالقاسم دلفی نشستیم. سفیر اسبق ایران در فرانسه در این کی‌وگفت باور دارد نقش برگزاری نشست استانبول بعد از تجاوز اسرائیل و آمریکا، یک گام مثبت و رو به جلو است و باید مذاکرات موازی ایران با اروپا و آمریکا در دستور کار تهران باشد. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل گفت‌وگو با سفیر پیشین کشورمان در صربستان، بلژیک، کلمبیا و شیلی است.

#### جناب دلفی، نشست معاونان وزرای امور خارجه ایران

**ترونیک‌ای اروپا و اتحادیه اروپا روز جمعه در استانبول برگزار شد. از اظهارات مقامات کشور و همچنین اروپایی‌ها یک وضعیت مبهم به دست آمده است، نه می‌توان خیلی خوش‌بین بود و نه بدبین. برگزاری این نشست و همچنین ادامه گفت‌وگوها با مقامات اروپایی چه معنایی می‌دهد؟ اساساً ما در چه نقطه‌ای از دیپلماسی هسته‌ای بعد از جنگ ۱۲ روزه قرار داریم؟**

اینکه واقعاً بخواهیم بفهمیم خروجی نشست استانبول چیست، باید به تفاوت‌های آن با چند دور مذاکره قبلی ایران و اروپا برگردیم.

#### تفاوتش در چیست؟

تفاوتش در این است که برخلاف ادوار پیشین مذاکرات که سعی نمی‌شد گفت‌وگوهای موازی با مذاکرات مسقط با اروپایی‌ها شکل بگیرد، این‌ بار به نظر می‌رسد خود آمریکایی‌ها بعد از تجاوز ۱۲ روزه و توقف هرگونه پروسه دیپلماتیک با ایران، تلاش کرده‌اند از کانال اتحادیه اروپا، آلمان، فرانسه و انگلستان، یک دور جدید از مذاکرات را در قبال پرونده هسته‌ای ایران در پیش بگیرند. این در حالی بود که دونالد ترامپ تا پیش از این، اروپایی‌ها را از مذاکرات هسته‌ای ایران کنار گذاشته بود و سعی می‌کرد امتیاز هرگونه توافقی را به نام خود ثبت کند و متأسفانه ما هم بر همین اساس، هیچ‌گاه سعی نکردیم در کنار مذاکرات با آمریکا، گفت‌وگوهای موازی را با اروپایی‌ها در دستور کار قرار دهیم تا به این نقطه نرسیم. کم‌اینکه من در چند گفت‌وگو با روزنامه «شرق»، بارها بر این نکته تأکید کردم که نباید گفت‌وگو با اروپا از دستور کار خارج شود.

**به گفته عراقی، این اروپا نبود که عملاً مذاکره با تهران را بی‌نتیجه می‌گذاشت؟**

این سؤالی است که قبل‌تر هم از من پرسیده بودید و من هم بارها گفته بودم که اساساً در سیاست خارجی باید بر مبنای تلاش‌های دیپلماتیک به دنبال نتیجه بود. نمی‌توان از یک طرف برای اروپایی‌ها خط‌وشان کشید و از طرف دیگر دوست داشت که در مذاکرات، عملاً منافع خودشان را کنار بگذارند. همان‌طور که گفتیم، آمریکایی‌ها و شخص ترامپ، اروپا را از مذاکرات کنار گذاشتند تا امتیاز هرگونه توافقی به نام او ثبت شود، اما ما نباید براساس فرمت آمریکایی‌ها عمل می‌کردیم و این اشتباه بزرگ ما بود. اکنون هم می‌بینید که همین اتحادیه اروپا و ترونیک‌ای اروپایی براساس دستور کار ایالات متحده به دنبال کلیدزدن مذاکرات با ما هستند که دور جدید آن در روز جمعه و در استانبول برگزار شد. بنابراین برخلاف مذاکرات مسقط که تقریباً هماهنگی جدای یک بین اروپا و آمریکا وجود نداشت، این بار هر دو طرف در یک هماهنگی کامل با همدیگر، مذاکرات استانبول را با تهران کلید زده‌اند؛ چون مقامات آمریکایی عنوان کردند هم در مورد پیش‌برد مذاکرات و هم درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها علیه ایران، هماهنگی جدی بین دو طرف (اروپا و آمریکا) وجود دارد. یعنی یکی از نتایج تجاوز ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا این بود که علاوه بر عدم محکومیت اروپا پیرامون این حملات، نوعی هماهنگی دیپلماتیک بین همه علیه ایران شکل گرفته است که از همه ابزارهای ممکن برای رساندن تهران به نقطه مد نظر غربی‌ها استفاده کنند.

**این تغییر مسیر نکته مثبت است یا منفی؟ واقعاً ما در چه نقطه‌ای قرار داریم؟**

اینکه این نکته مثبت است یا منفی، بستگی به این دارد

واکاوی نشست استانبول و آینده مذاکرات ایران و اروپا در گفت‌وگو با ابوالقاسم دلفی

# خاکستر مذاکرات تهران – واشنگتن در دست اروپا



ابوالقاسم دلفی

که ما روز جمعه در استانبول چه گفتیم و چه شنیدیم. **باز برگشتیم به سؤال نخست: چون از فحوائ کلام مقامات اروپایی و ایرانی نمی‌توان نه برداشت خیلی مثبت و خوش‌بینانه‌ای از مذاکرات داشت و نه برداشت منفی...**

نکته شما درست است. طبق روال معمول، خیلی جزئیات مذاکرات در اختیار رسانه و افکار عمومی قرار نگرفت و همه چیز در سطح یک کلی‌گویی مطرح شد، اما در مجموع و به نظر من، تعیین مسیر پیش‌رو تا حد بسیار زیادی دست خود ایران است. به هر حال بعد از تمام فرازونشیب‌ها و پیچیدگی‌ها و بعد از تجاوز ۱۲ روزه، اینکه حاضر شدیم پای میز مذاکره با اروپایی‌ها بنشینیم، یک اقدام مثبت و رو به جلو است. همین‌که قرار بر این بوده که به فوریت دور بعدی گفت‌وگوها برگزار شود، باز هم یک اقدام مثبت و خوشبینانه برای من است. باین حال، همان‌طور که به‌درستی اشاره کردید، فضا یک فضای مبهم است. نمی‌توان با قاطعیت درباره آینده و نتایج مذاکرات با اروپا سخن گفت. اما اگر یک پارامتر مهم و تأثیرگذار، تعیین‌کننده خروجی نشست با اروپا باشد، صرفاً و صرفاً در تهران است، نه در اروپا. باید ببینیم در قبال آنچه آمریکایی‌ها از زبان اروپا با مذاکرات با ما مطرح می‌کنند، به چه نتیجه‌ای می‌رسند و

تهران چه اقداماتی را در دستور کار قرار می‌دهد. **اگر به‌صورت جزئی وارد مسائل شویم، گویا طبق برخی اخبار، تهران پیشنهاد تعدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه را رد کرده است. اگر این خبر نزدیک به واقعیت باشد، دلیل با دلایل آن چیست؟ آیا تهران واقعاً مکانیسم ماشه را استخوان لای زخم می‌داند و عملاً تمایلی به تدوام آن ندارد و خودش را برای فعال‌سازی آن و بازگشت قطع‌نامه آماده می‌کند؟**

ظاهراً اروپایی‌ها این پیشنهاد را در مذاکرات استانبول داده‌اند که بعد از اکتبر، باز هم مکانیسم ماشه با یک تعدید شش‌ماهه ادامه پیدا کند، اما مقامات کشور آن را رد کرده‌اند. اینکه بر چه اساسی و با استناد به چه دلایلی این موضوع را رد کرده‌اند، حداقل برای شخص من مشخص نیست و توضیحات آن ارائه نشده است. اصلاً مشخص نیست که تهران آن را رد کرده است یا نه. به نظر من، مجموعه آنچه در استانبول انجام شد، یک قدم رو به جلو بود. به این معنی که اگرچه دیر، اما به هر حال مذاکره با اروپایی‌ها دوباره کلید خورد و براساس آن چیزی هم که شما عنوان کردید و مقامات طرفین هم بر آن تأکید کرده‌اند، گویا قرار است این مذاکرات ادامه پیدا کند. من امیدوارم برخلاف ادوار پیشین مذاکرات ایران و اروپا، این بار به‌سرعت و به‌فوریت، مذاکرات با اروپایی‌ها هرچه زودتر برگزار شود. این علاوه بر آن است که کم‌اکان بر گفته پیشین خودم با روزنامه «شرق» تأکید دارم که در کنار انجام مذاکرات با ترونیک‌ای اروپا و اتحادیه اروپا، باید جمهوری اسلامی ایران روابط دو جانبه را با آلمان، فرانسه و انگلستان تقویت کند. من امیدوارم سرنوشت این دور از مذاکرات استانبول به دور قبلی که بیش از جنگ و تجاوز ۱۲ روزه برگزار شد، دچار نشود؛ کم‌اینکه گفت‌وگوهای ما زُن و نیویورک هم نتوانست ادامه پیدا کند.

**نکته مهمی در تحلیل شما وجود داشت. اگر معتقد هستید که آمریکایی‌ها بعد از جنگ ۱۲ روزه، ترونیک‌ای اروپا و اتحادیه اروپا را برای مذاکره با ایران مأمور کرده‌اند، به این معناست که اکنون پاریس، لندن، برلین و اتحادیه اروپا سعی دارند تهران را به گفت‌وگو با واشنگتن بازگردانند یا اینکه دو طرف (آمریکا و اروپا) با اهرم فشار مکانیسم ماشه، از پیش تصمیم خود را گرفته‌اند؟ مهم‌تر آنجاست که اکنون که بعد از مذاکرات مسقط و نادیده‌گرفتن نقش اروپا، مجدداً قاره سبز وارد گفت‌وگوها شده است. آیا حاضر به کنارگرفتن در صورت ازسرگیری مذاکرات تهران و واشنگتن خواهد بود؟ از سؤال آخر شروع کنم. اروپایی‌ها عنوان کرده‌اند که شرط اصلی عدم فعال‌سازی مکانیسم ماشه، ازسرگیری گفت‌وگوها با آمریکا و رسیدن به مکانیسم ملموس است. این نشان می‌دهد که تحلیل من دال بر اینکه اروپایی‌ها از سوی آمریکا برای مذاکرات با ایران مأمور شده‌اند، کاملاً درست است. ضمن آنکه به عقیده من، این گفته اروپا در عین حال تأیید می‌کند که با آغاز احتمالی مذاکرات ایران و آمریکا، اروپا خودش کنار می‌رود یا آمریکا آن را کنار می‌گذارد. چون ما بارها در گفت‌وگو با شما عنوان کرده‌ام که دونالد ترامپ اساساً اجازه بازیگری هیچ کشوری را در مذاکرات هسته‌ای و پرونده هسته‌ای ایران نمی‌دهد، چراکه می‌خواهد هرگونه امتیازی به نام او ثبت شود. یعنی سکه توافق هسته‌ای جدید به نام دونالد ترامپ ضرب شود. درباره سؤال دیگر‌تان، باید گفت که اکنون آمریکا از هر ابزاری استفاده می‌کند که تهران را پای میز مذاکره بی‌ورد و قطعاً یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار، فعال‌سازی مکانیسم ماشه است که در کنار افزایش تحریم‌ها، تشدید سیاست فشار حداکثری**

در این روابط ایران و اروپا مانند دوره اول دونالد ترامپ بود. قطعاً آمریکا و حتی اسرائیل به این نقطه نمی‌رسیدند که تجاوز ۱۲ روزه را علیه ما کلید بزنند.

در این روابط ایران و اروپا مانند دوره اول دونالد ترامپ بود. قطعاً آمریکا و حتی اسرائیل به این نقطه نمی‌رسیدند که تجاوز ۱۲ روزه را علیه ما کلید بزنند.

در این روابط ایران و اروپا مانند دوره اول دونالد ترامپ بود. قطعاً آمریکا و حتی اسرائیل به این نقطه نمی‌رسیدند که تجاوز ۱۲ روزه را علیه ما کلید بزنند.

#### گزارش

## پزشکیان در جمع مدیران وزارت خارجه: در برابر جامعه مسئولیم

شرق؛ صبح دیروز، نشست معاونان و مدیران ارشد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه برگزار شد.

#### من فرد خاصی نیستم

در این نشست، رئیس‌جمهور با تأکید بر مسئولیت فردی و جمعی در قبال جامعه اظهار کرد: «اعتقادم این است که هرکدام از ما می‌توانیم رُلی را بسازی کنیم که فرد دیگری بر عهده دارد. حدوداً یک سال پیش نماینده بودم. کسی هم چندان تحویلیم نمی‌گرفت، حالا رئیس‌جمهور شدم، ولی من همان آدم هستم. بار مسئولیت سنگین‌تر شده و اگر خدا کمک نکند ناتوان می‌مانم».

پزشکیان با اشاره به لزوم مسئولیت‌پذیری همه مدیران کشور افزود: «هرکدام از استانداران، مدیران و وزرا می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند. اختیارات را به آنها دادیم. اگر جایی اشتباهی صورت گرفته با هم می‌نشینیم و اصلاح می‌کنیم».

**تأکید بر واگذاری اختیار برای تحقق پاسخ‌گویی**

او با انتقاد از تضاد بین مسئولیت و اختیار گفت: «ما مسئولیتی دهیم ولی اختیار نمی‌دهیم. بعد انتظار پاسخ‌گویی داریم. این‌طور نمی‌شود. باید تمرین کنیم و اصلاح کنیم».

او همچنین خواستار آغاز روایت‌سازی توسط وزارت امور خارجه شد و گفت: «هر کاری از دست دیگر سازمان‌ها و واحدهای ارتباطی ما برپیدد، انجام می‌دهیم. اگر پیشنهادی دارید ارائه دهید».

**تغییر نگاه؛ شرط تحول در روابط داخلی و خارجی**

پزشکیان با اشاره به ضرورت تغییر نگاه‌ها تأکید کرد: «اگر با نگاه گذشته بخواهیم تغییر ایجاد کنیم، نمی‌شود. باید نگاه‌ها تغییر کند. باید به خودمان برگردیم. با کمک شما و مردم عزیز، روابط با همسایگان را ارتقا می‌دهیم». او افزود: «در داخل نیز باید ارتباط با مردم را صمیمی‌تر کنیم و گلايه‌ها را تا جایی ممکن برطرف کنیم».

#### دیپلماسی منطقه‌ای؛ اولویت ایران

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «ارتقای روابط با کشورهای همسایه از جمله ترکیه، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس باید تقویت شود. لزومی ندارد نگامان همیشه به غرب باشد». او بر نقش دانشگاهیان، تجار، هنرمندان، فرهنگیان و گردشگران در دیپلماسی عمومی تأکید کرد و افزود: «باید همه فعال شوند».

#### تسهیل بازگشت ایرانیان خارج از کشور

پزشکیان با اشاره به نگرانی برخی ایرانیان خارج از کشور برای بازگشت گفت: «باید چارچوبی ترسیم شود که راحت بیایند. با قوه قضائیه و وزارت اطلاعات صحبت خواهیم کرد. بسیاری دل‌شان برای ایران لک زده. دکتر عراقچی پیگیری می‌کند». او آنها را «همسایه‌های ایران» خواند و تأکید کرد: «می‌شود از این عزیزان استفاده کرد». رئیس‌جمهور با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری گفت: «آماده باشیم با قدرت از کشور دفاع کنیم. اما دیپلماسی مهم‌تر است. زندگی در آرامش بهتر از جنگ و خون‌ریزی است. کشورهای مدعی حقوق بشر دروغ می‌گویند. صحنه‌های غزه را نمی‌توانیم ببینیم، رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق‌بشری اروپایی کجا هستند؟». پزشکیان تحلیل‌های رسانه‌های خارج‌نشین درباره حوادث اخیر را «شرم‌آور» خواند و افزود: «زندنان ما را زدن، بعد می‌گویند با زندانیان سیاسی چه کردید؟ جمهوری اسلامی حقوق بشر را نقض کرده با آنها که از حمله اسرائیل دفاع می‌کنند؟». او تأکید کرد: «ما با وحدت، انسجام و توکل به خدا، مسیر را ادامه می‌دهیم». مسعود پزشکیان همچنین در جمع خبرنگاران بیان کرد: در دفاع سخت و جانانه‌ای که در ۱۲ روز انجام گرفت، در این ۱۲ روز اینها با تمام قدرت آمدند و تلاش کردند که کشور را به زانو دریاورند، اما در وهله اول مردم عزیز ما در داخل کاری کردند که کارستان بود.